

## آئین نامه داخلی کانون وکلای دادگستری پاریس

که با اجرای ماده ۴۷ تصویبنامه ۱۰ آوریل ۱۹۵۴ مورد عمل قرار گرفته و بنابه تصویبنامه ۳۰ نوامبر ۱۹۵۶ اصلاحی در ۱۹ مارس ۱۹۶۳ از طرف شورای کانون تصمیم به اجرای آن اتخاذ شده است

### باب نخستین

#### مقررات عمومی

ماده ۱- اصول:

۱- وکیل دعاوی وابسته به کانون وکلای دادگستری پاریس باید در واقع به حرفه خود عمل کند.

۲- به منظور تأمین عمل به حرفه وکالت باید نام وکیل در لوحه وکلا یا فهرست کارآموزان ثبت شده باشد و اقامتگاه سفلی وکیل: پاریس یا استان «سن»<sup>۱</sup> باشد.

۳- وکیل باید قواعد کانون وکلای پاریس را آن سان که از قوانین و فرمانهای قانونی<sup>۲</sup> و سنتها و عرف و عادت حرفه ای برمی آید مراعات کند.

ماده ۲- عنوان وکالت:

۱- وکلای که نامشان در لوحه وکلا ثبت شده باشد دارای عنوان «وکیل دادگاههای پاریس» خواهند بود.

۲- ثبت نام در فهرست کارآموزی فقط موجد عنوان «وکیل کارآموز در محاکم پاریس» خواهد بود.

---

1) Seine

2) Décret

ماده ۳- پایه:  
نام وکلای دادگستری به ترتیب سابقه قدمت آنان، در لوحه وکلای دادگستری ثبت می‌گردد.

سابقه خدمت حسب تصمیم «شورا»<sup>۲</sup> تعیین می‌شود.  
برای کارآموزان، شرایط اجرای کارآموزی معتبر است.

## باب دوم

### سازمان کانون وکلا

ماده ۴- انتخابات:

۱- انتخابات عمومی، طبق مواد ۹ تا ۱۵ فرمان ۱۰ آوریل ۱۹۵۴ که بوسیله فرمان ۳۰ نوامبر ۱۹۵۶ اصلاح شده است به عمل می‌آید، و پیش از پایان سال قضائی در تاریخی که «شورا» تعیین می‌کند صورت می‌پذیرد.

۲- رئیس کانون وکلا «و اعضای شورا» برای مدت یکسال انتخاب می‌شوند.

۳- انتخاب رئیس کانون پیش از انتخاب اعضای شورا (اعضای هیئت‌مدیره)

به عمل می‌آید.

۴- انتخاب اعضای شورای کانون بوسیله رأی حسب فهرست نامزدها<sup>۴</sup> با اکثریت مطلق آرا صورت می‌گیرد.

با اینهمه اگر یک یا چند تن از وکلا که قبلاً وابسته به شورای کانون بوده و از عضویت کناره گرفته باشند و مجدداً به عضویت شورا انتخاب شده و متمایل باشند آراء آنان در مورد کسی که او را برای سال آینده نامزد ریاست کانون می‌کنند به حساب آید، در مورد آنان استخراج رأی برای یک فرد به عمل خواهد آمد.

۵- انتخابات جزئی<sup>۵</sup> فقط برای مدت زمانیکه تا پایان سال قضائی به طول

می‌انجامد معتبر است، انتخابات مزبور در ظرف مهلتی انجام خواهد یافت که در

ماده ۱۴ فرمان (تصویب‌نامه) ۱۰ آوریل ۱۹۵۴ که بوسیله فرمان ۳۰ نوامبر ۱۹۵۶

اصلاح گردیده پیش‌بینی شده است

ماده ۵- جدول و گروه‌های وکلا:

۱- وکلانیکه نامشان در جدول وکلا به ثبت رسیده است به بیست گروه تقسیم

۳) Conseil غرض همان Conseil de l'Ordre است که آنرا (هیئت‌مدیره کانون) ترجمه کرده‌ام.

۴) Scrutin de liste که هر فهرستی مشتمل نام عده‌ای نامزد است و هر کس به آن فهرست رأی می‌دهد نه به شخص یا اشخاص معین آن فهرست. (م)

5) Colonnes

۶) partiel در مقابل کلی و عام

می‌شوند.

۲- گروهها در هر سال قضائی دست‌کم دو بار تحت ریاست رئیس کانون وکلا یا تحت ریاست يك عضو یا يك عضو قدیمی «شورای کانون»، و در صورت غیبت آنان، یکی از قدیمی‌ترین وکلای حاضر که نامش در ردیف ترتیبی در لوحه وکلا ثبت شده است فراهم می‌آیند.

۳- گروهها دست‌کم پانزده روز پیش از تاریخ اجتماعشان دعوت می‌شوند.

۴- گروهها فقط در مسایلی می‌توانند تحقیق و مطالعه کنند که بنا به تصمیم شورای وکلا در صورتجلسه گروهها قرارگیرد یا در مسائلی که بوسیله یکی از اعضاء گروهها طرح و پیشنهاد شده باشد.

در حالت اخیر باید متن مسائل مزبور دست‌کم پانزده روز پیش از اجتماع کردن گروهها، به دبیرخانه کانون تقدیم شود.

۵- منظورهائیکه بوسیله گروهها عرضه می‌شود، با تعیین تعداد آرائی که برای هر نظریه به دست آمده است به «شورای کانون» ابلاغ می‌گردد.

۶- «شورا» در مورد کلیه نظریه‌هائیکه از طرف هفت گروه پذیرفته شده باشد دست‌کم در مدت سه‌ماه که شامل تعطیلات قضائی نباشد، به مشاوره و تبادل نظر می‌پردازد.

«شورا» در صورتیکه نظر مزبور را رد کند، باید علت عدم قبول خود را توضیح دهد.

۷- تصمیمات شورا که بر نظریه‌های مزبور مبتنی است در طی جلسات آتی به اطلاع گروهها می‌رسد و در دفتر مخصوصی که در اختیار کلیه وکلای که نامشان به ثبت رسیده گذاشته شده است، منعکس می‌گردد.

ماده ۶- نماینده قانونی کانون وکلا:

برای اقدام در مسائل مربوط به منافع کانون، فقط رئیس کانون یا نایب مناب او می‌توانند در مراجع رسمی دخالت نمایند.

## باب سوم

### کارآموزی

ماده ۷- شرایط پذیرفته شدن:

۱- متقاضی کارآموزی باید مدارک ذیل را که طبق ماده ۲۲ فرمان ۱۰ آوریل ۱۹۵۴ اصلاحی بموجب فرمان ۳۰ نوامبر ۱۹۵۶ پیش‌بینی شده است به دبیرخانه کانون تسلیم نماید.

الف - رونوشت گواهی شده شناسنامه و خلاصه سبج قضائی ۷.  
ب - اوراقی حاکی از اینکه متقاضی طبق ماده ۸۱ قانون مربوط به ملیت،  
بیش از پنجسال دارای کیفیت فرانسوی می باشد.

ج - دانشنامه لیسانس حقوق.

د - گواهی صلاحیت داشتن برای شغل وکالت.

گواهی نامه مزبور از کسانی که بموجب قوانین و آئین نامه های جاری از ارائه  
آن معافند مطالبه نمی شود.

۲- گواهی نامه صلاحیت برای شغل وکالت باید حداکثر پنجسال پیش از تقاضای  
قبولی برای کارآموزی اخذ شده باشد.

در مورد داوطلبانی که گواهی نامه صلاحیت وکالت را قبل از انتشار فرمان  
۳۰ نوامبر ۱۹۵۶ اخذ کرده باشند مهلت پنجسال از تاریخ انتشار فرمان مزبور  
محسوب می شود، با اینهمه، مدتی که دارنده گواهی نامه در ظرف آن مدت در سرزمینهای  
ماورای دریا به شغل وکالت اشتغال داشته است یا در فرانسه یا در سرزمینهای ماورای  
دریا به یکی از مشاغل دولتی یا قضائی اشتغال داشته است جزء دوران پنجسال مزبور  
به حساب نمی آید.

همچنین ایامی که به عنوان خدمت اجباری زیر پرچم، (ماده ۲ تصویب نامه  
۱۳ اکتبر ۱۹۵۴) سپری شده، در حکم آن است.

۳- رئیس کانون وکلا یکی از اعضای شورا را تعیین می کند تا در مورد روحیه  
و اخلاق دارنده مدرک تحقیق به عمل آورد و معلوم سازد که آیا متقاضی شرایط لازم  
برای پذیرفته شدن به منظور اتیان سوگند و کارآموزی را واجد است یا نه.  
«شورا» بنا به نتایج گزارش گزارش دهنده، تصمیم لازم اتخاذ می کند.

ماده ۸- پذیرفته شدن برای اتیان سوگند و کارآموزی:

۱- اگر تقاضای کارآموزی مقبول افتاد، متقاضی بنا به معرفی رئیس کانون وکلا  
طبق مدلول ماده ۲۳ تصویب نامه ۱۰ آوریل ۱۹۵۴ در پیشگاه دادگاه استان سوگند  
یاد می کند.

۲- وکلای کارآموز در تاریخی که قبولی شان از طرف شورای کانون مقرر  
می گردد، نامشان در فهرست کارآموزی به ثبت می رسد.

ماده ۹- گروههای وکلای کارآموز:

۱- وکلای کارآموز به گروهها تقسیم می شوند. اداره این گروهها به عهده  
رئیس کانون وکلا یا یکی از اعضای شورای کانون است و دبیر کنفرانس متصدی  
دبیری گروههای مزبور می باشد. گروهها از اول ژانویه سال قضائی جاری به بعد

Casier Judiciaire (۷) یا شناسنامه قضائی که همه اهالی کشور دارند و محکومیتهای  
کیفری در آن منعکس می شود. (م)

بنا به دعوت رئیس خود اجتماع می‌کنند. در هر سال قضائی تعداد آنان از طرف رئیس کانون تثبیت می‌گردد.

وکلاهی کارآموز سال چهارم و پنجم تابع گروههایی هستند که به آن اختصاص دارند.

۲- موضوع تشکیل اجتماعات مزبور آن است که به مناسبت موارد مخصوص که انتخاب می‌کنند منجمله در بین امور معاضدت قضائی که عهده‌دار آنند، قواعد و روش کار و طرز عملی فنی و کالت را به اعضای خود بیاموزند.

برنامه اجتماعات گروهها از طرف رئیس کانون تعیین می‌شود.

۳- حضور کارآموزان در اجتماعات گروهها اجباری است.

ماده ۱۰ - اجتماعات کارآموزی ۸ - تمرین‌های کارآموزی:

۱- اجتماعات کارآموزی در روز و ساعتیکه از طرف رئیس کانون تعیین می‌گردد تشکیل می‌یابد. رئیس کانون یا یکی از اعضای شورای کانون که رئیس کانون

او را انتخاب می‌کند و از طرف دبیران اجتماعات مزبور یاری می‌شوند ریاست اجتماعات مزبور را نیز عهده دارند و در اجتماعات راجع به امریکه در صورتجلسه منعکس است بحث می‌شود.

حضور در اجتماعات مزبور برای کلیه کارآموزان الزامی است مگر در مورد کسی که رئیس کانون با عدم حضور او موافقت کند.

۲- بعلاوه، کارآموزان اجباراً باید در هیئت‌های عمومی و در اموری که حسب کیفیاتیکه رئیس کانون تعیین می‌کند اداره می‌شود، شرکت جویند.

۳- بالجمله هر کارآموز سال اول یا دوم ناچار باید در اجتماعاتیکه مقدمه اجتماعات کارآموزی است حسب کیفیاتیکه رئیس کانون تعیین می‌کند شرکت کنند.

(کنفرانس بریر Berryer<sup>۹</sup> و ترونشه Tronchet<sup>۱۰</sup>)

ماده ۱۱ - مسابقه در کنفرانس: نوم انسانی و مطالعات فزنی

دبیران اجتماعات کارآموزی، در نتیجه مسابقه‌ای که چگونگی آن بوسیله آئین‌نامه کنفرانس تعیین می‌گردد، بنا به پیشنهاد رئیس کانون، از طرف شورای کانون معلوم می‌شوند.

کارآموزانی که محکومیت انضباطی داشته باشند حق ندارند در این مسابقه شرکت نمایند.

دبیران کنفرانس در اجتماعات کنفرانس با رئیس کانون همکاری می‌نمایند.

#### 8) Conférence du Stage

۹ و ۱۰) نامهای خاص فرانسوی است. اولی وکیل مدافع ژنرال «نی» فرانسوی است که پس از بازگشت ناپلئون بناپارت از سنت‌هلن به او پیوست و پس از تبعید دوم ناپلئون محاکمه و تیرباران شد؛ دومی وکیل مدافع لویی ۱۶ بود و این هردو اعدام شدند.

ماده ۱۲- خدمت معاضدت قضائی و وکالت تسخیری و مشاوره رایگانی:

- ۱- حضور در جلسات دادگاهی برای کلیه کارآموزان اجباری است. این امر بوسیله ثبت نام کارآموزان مزبور برای معاضدت قضائی و وکالت تسخیری که نامبرندگان ناچار باید آن خدمات را تأمین کنند تضمین می گردد، مگر در موردی که کارآموزان مزبور، به عنوان منشی وکیل، در کار مطالعه و تمرین تهیه اوراق دعاوی یا سردفتری رسمی یا وکالت دعاوی در دادگاه بازرگانی یا قید مقررات ماده ۱۳ که در زیر ذکر خواهد شد، ثبت نام کرده باشند.
- هر کارآموزی از حیث حضور در دادگاهها و شرکت در معاضدت قضائی و وکالت تسخیری تحت هدایت و نظارت رئیس گروه خود قرار دارد.
- ۲- کلیه کارآموزان باید در خدمت مشاوره رایگانی شرکت یابند.

ماده ۱۳- سایر الزامات کارآموزان:

- ۱- کلیه کارآموزان در ظرف مدت یکماه پس از تاریخ قبولی باید اقامه برهان کنند که مدت دهسال است که با یک وکیل دعاوی عضوکانون همکاری فعالانه داشته اند. یا به عنوان منشی وکیل در مطالعات و تمرینات تقریرنویسی و تهیه کننده اوراق و مدارک دعاوی در پاریس یا مطالعه و تمرین سردفتری رسمی در استان (سن) یا وکالت دعاوی در دادگاه بازرگانی «سن» ثبت نام کرده اند.
  - ۲- رئیس کانون می تواند وکلای کارآموز را که در مطالعات و تمرینات تقریرنویسی و منشی گری وکلا و سردفتری رسمی و یا وکالت دعاوی در دادگاه بازرگانی کارآموزی می کنند، اگر به عنوان منشی وکیل در دفاتر دبیرخانه های استان مربوط به تهیه مدارک دعاوی و سردفتری رسمی یا وکالت دعاوی در امور بازرگانی ثبت نام نکرده باشند عنوان معاضدت قضائی بدهد.
- مدتی که کارآموز در ظرف آن مدت، به منظور مطالعات و تمرینات مزبور نام نویسی کرده است فقط ممکن است نسبت به دوره کارآموزی، آن گونه که در ماده ۲۶ فرمان ۱۰ آوریل ۱۹۵۴ تثبیت گردیده است اکثراً دو سال به حساب آید.

ماده ۱۴- تعلیق کارآموزی:

- کارآموزی، ممکن است بنا به تقاضای کارآموز، و بنا به تصمیم شورای کانون، در مدت خدمت نظام ووظیفه متوقف گردد. مدت تعلیق جزء دوران کارآموزی احتساب نخواهد شد.

ماده ۱۵- تعطیل کار:

- ۱- تعطیل کارآموزی در مدتی که از سه ماه تجاوز نکند، از نظر حفظ سلامت کارآموز بوسیله رئیس کانون مورد موافقت قرار می گیرد.
- ۲- همچنین ممکن است رئیس کانون موافقت کند کارآموزی که از هزینه

تحصیل برای مطالعه در خارج از کشور استفاده می‌کند در مدت سال قضائی از تعطیل استفاده نماید.

**ماده ۱۶ - دوره کارآموزی - گواهینامه کارآموزی:**

۱- دوره کارآموزی سه سال است اما ممکن است بطور استثناء بنا به تقاضای کارآموز مدت آن پنجسال تعیین شود.

۲- پس از انقضای دوره کارآموزی، لدی‌الافتضا گواهی‌نامه‌ای حاکی از انجام دوره کارآموزی از طرف رئیس کانون به کارآموز اعطاء می‌شود.

**ماده ۱۷ - وجوه تضمین برای الزامات کارآموزی:**

۱- هر کارآموز مقررات کارآموزی مذکور در مواد فوق را مراعات نکند، دوره کارآموزی او تمدید خواهد شد یا از اخذ گواهینامه مذکور در ماده ۲۷ تصویب‌نامه ۱۰ آوریل ۱۹۵۴ محروم خواهد ماند. امور مذکور مانع اجرای تصمیمات انضباطی نیست.

۲- اگر نظر رئیس کانون این باشد که کارآموز الزاماتی را که باید به‌جای آورد انجام نداده است می‌تواند پس از استماع دفاعیات او مدت کارآموزی او را دوبرابر سال قضائی تمدید کند.

۳- اما در هر حال، در پایان سال پنجم یا باید به‌او گواهینامه اعطاء شود یا از اعطای آن خودداری به‌عمل آید.

لازمه امتناع از اعطای گواهینامه، امتناع از پذیرفتن ثبت‌نام او در لوحه کارآموزان و حذف نام او از فهرست کارآموزی است.

شورای کانون دلایل تصمیم خود را منعکس خواهد نمود.

تصمیم مزبور حسب شرایط مقرر در ماده ۱۷ تصویب‌نامه ۱۰ آوریل ۱۹۵۷ قابل شکایت و طرح در دادگاه استان است.

## باب چهارم

### انضباط

**ماده ۱۸ - قلمرو قضائی «شورای کانون»:**

شورای کانون که به عنوان شورای انضباطی منعقد می‌گردد، در مورد وکلایی که نامشان در لوحه وکلا یا لوحه کارآموزی ثبت شده است و در مورد وکلایی که به‌عنوان افتخاری پذیرفته شده‌اند صلاحیت رسیدگی دارد.

شورای مزبور مجازاتهای انضباطی را که ماده ۳۲ تصویب‌نامه ۱۰ آوریل ۱۹۵۴ و مواد تالی آن مقرر داشته است تعیین می‌کند.

ماده ۱۹- تصمیمات غیابی:

تصمیماتی که غیاباً اتخاذ می‌گردد فقط پس از انقضای مهلت‌های اعتراض که در ماده ۳ تصویب‌نامه ۱۰ آوریل ۱۹۵۴ پیش‌بینی شده است به اطلاع دادستان کل می‌رسد.

مهلت‌های مزبور عبارتست از پنج‌روز در صورتیکه ابلاغ واقعی به شخص به عمل آید، و سی روز در صورتیکه ابلاغ به شخص نشده باشد. در حالت اخیر، پس از تحقیقات دادرسی به نحو غیررسمی، ابلاغ بوسیله مأمور ابلاغ به عمل می‌آید.

ماده ۲۰- وقتی یکی از وکلای دعاوی شکایت‌نامه‌ای تقدیم کند که همکاری را مورد اتهام قرار داده باشد، رئیس کانون به عنوان دوست محرم می‌تواند شاکی را راهنمایی کند.

ماده ۲۱- حوادثی که ممکن است در جلسه دادگاه روی دهد. وقتی در اثر اجرای مواد ۴۱ و ۴۲ تصویب‌نامه ۱۰ آوریل ۱۹۵۴ و کیلی در جلسه دادگاه از طرف دادستانی مورد اتهام و اقامه دعوی قرار گیرد باید دفاع از او تأمین شود. به این منظور باید رئیس کانون بلادرنگ خواه بوسیله شخص آن وکیل، یا بوسیله همکاری که سابقه او از همه بیشتر است و در کانون وکلا حضور دارد از واقعه آگاه گردد.

## باب پنجم

### حقوق وکیل دعاوی

#### فعالیت‌های مجاز یا مقرراتی

ماده ۲۲- قاعده کلی:

وکیل دعاوی می‌تواند وظیفه خود را در کلیه حوزه‌های قضائی و سازمان‌های قضائی یا انضباطی اعمال کند مگر در مواردیکه قانون منع کرده باشد.

ماده ۲۳- حق معاضدت قضائی - حق نمایندگی:

۱- وکیل دعاوی در کلیه مراحل بازجوئی و تحقیق در امور مدنی، بازرگانی، کیفری، اداری، یا انضباطی که به‌صورت حکم یا قرار منتهی می‌شود، می‌تواند موکل خود را همراهی کند.

۲- وکیل می‌تواند در کلیه مواردی که منع قانونی نداشته است نمایندگی موکل خود را برعهده بگیرد.



ماده ۲۴- مراجعه به ادارات دولتی:

وکیل در قلمرو عمل به شغل خود حق دارد آزادانه در ادارات دولتی حضور یابد تا نزد مدیر اداره مربوط یا نماینده او که بخصوص به این منظور انتخاب شده است از حقوقی که حاکی از امر متنازع‌فیه است یا به امر متنازع‌فیه منجر خواهد شد دفاع نماید.

ماده ۲۵- حقوق وکیل در مورد وکالت از شخصیت‌های حقوقی:

۱- وکیل شخص حقوقی می‌تواند در صورتیکه به نحو قانونی از او تقاضا شود، و آن تقاضا را مفید و شایسته پذیرفتن تشخیص بدهد، در مرکز قانونی شخصیت حقوقی حضور بهم‌رساند تا در طی جلسات نمایندگان شخص حقوقی و تشکیل مجمع عمومی، در امور قضائی مورد مشاوره قرار گیرد.

۲- طبق شرایط مذکور، وکیل يك سندیکای شريك‌الملک می‌تواند در مجامع عمومی سندیکا حضور بهم‌رساند تا در مسایل مربوط به منافع تمام ملك مشترك، مشاور قضائی آنها باشد.

۳- وکلا اختیار دارند کلیه اسناد مربوط به شخصیت‌های حقوقی را تنظیم کنند و بوسیله صندوق بیمه که در ماده ۲۷ این آئین‌نامه به آن اشاره شده است مقررات گوناگون و ضروری برای قانونی بودن آن را (با حفظ مقرراتیکه قانون برای کارمندان عالی‌رتبه دولتی در نظر گرفته است) به مرحله اجرا درآورند. صندوق مزبور باید در يك یا چند شرکت بیمه عقد وثیقه‌ای منعقد سازد تا مسئولیت احتمالی آن صندوق را و مسئولیت احتمالی وکلایی را تأمین کند که می‌توانند از اختیاریکه طبق ماده فوق به نفع آنان مقرر شده است استفاده کنند.

ماده ۲۶- روابط وکیل با طرفین دعوی:

۱- در آغاز کلیه اختلافات که از نظر قانون راه‌حل دوستانه داشته باشد و پیش از اقدام به هرگونه مقررات آئین دادرسی، وکیل می‌تواند با رضای موکل خود، پس از ارسال دو نامه متوالی که مفاد آن با نظر شورای کانون برای طرف دعوی تنظیم می‌گردد با طرف دعوی تماس حاصل کند.

۲- مذاکره با طرف دعوی فقط در دفتر کار وکیل و با حضور موکل او صورت می‌پذیرد.

در کلیه اوضاع و احوال وکیل باید در نهایت احتیاط و با کمال بصیرت اقدام کند.

غیر از نامه‌های دعوت و دو نامه مذکور در بالا، بین وکیل و طرف متخاصم هیچ نامه‌ای نباید رد و بدل شود.

۳- متونی که در دفتر وکیل آماده میشود فقط وقتی حاکی از موافقت بین طرفین دعوی است که شامل امضای آنان باشد حتی در مورد موافقت بین طرفین،

وکیل فقط حق دارد حق الوکاله خود را از موکل خود بگیرد.

#### ماده ۲۷- تسویه حساب مالی:

وکلا هنگامی که بدون دخالت مأموران قضائی که در دادگاهها، دعوی طرفین را در محضر قاضی طرح می‌کنند<sup>۱۱</sup> قانوناً نماینده طرفین دعوی باشند، مجازند که فقط طبق مقررات مالی مربوط به آئین دادرسی که عهده‌دار انجام دادن آنند عمل کنند.

۱- اگر حساب مزبور از ۳۰۰ فرانک تجاوز نکند ممکن است تسویه مالی نقداً در مقابل قبض رسید به عمل آید و اگر بیش از آن مبلغ باشد تسویه حساب مالی فقط بوسیله چک یا واریز حساب یا حواله بانکی یا پستی (ویرمان)<sup>۱۲</sup> تأدیه می‌شود و الزاماً باید توسط دخالت صندوق بیمه مزبور، که بنا به مدل قانون ۱۹۰۱ باید به صورت یک شرکت درآمد داشته باشد انجام یابد.

وکلائی که مایل باشند در مورد هر مبلغ تسویه حساب مالی را به صورت مزبور انجام دهند باید عضو آن شرکت باشند.

۲- صندوق مزبور باید طبق شق ۲ ماده ۴۸ تصویبنامه ۳۰ نوامبر ۱۹۵۶، در مقابل یک یا چند شرکت بیمه، وثیقه و نظمی را تعهد کند تا بتواند کلیه مبالغی را که برای اجرای مقررات مالی مذکور در فوق باید به وکیل تأدیه بشود اما به مرحله اجرا درنیآمده است تأمین کند. بعلاوه، تأمین وثیقه و نظم مزبور باید مشتمل بر این شرط باشد که شرکت یا شرکتهای بیمه، از هرگونه مراجعه مستقیم و اقدام علیه وکلا خودداری کنند مگر در موردیکه مقررات آئین‌نامه داخلی نقض شود. این قرارداد بوسیله نماینده قانونی صندوق به امضا می‌رسد. حق بیمه بر عهده صندوق است.

۳- کلیه تسویه‌های مالی که نقداً یا بوسیله دخالت صندوق تأدیه می‌شود در دفتریکه هر یک از وکلاء باید داشته باشند و منحصرأ برای امر تسویه حساب به‌کار می‌رود و عملیات بستانکار و بدهکار در آن منعکس می‌شود قید می‌گردد. این محاسبه که قبلاً بوسیله صندوق تحت نظارت قرار می‌گیرد برای اینکه در آغاز ششماه اول و دوم هر سال مورد امان نظر واقع شود در اختیار رئیس کانون گذاشته می‌شود.

#### ماده ۲۸- انتخاب اقامتگاه قانونی - مصالحه - وجوه تقدیمی:

- ۱- وکیل به هیچوجه نباید اقامتگاه قانونی خود را در خانه خود انتخاب کند مگر در مواردیکه قانون پیش‌بینی کرده باشد.
- ۲- وکلا مجازند نام و عنوان و نشانی خود را در کلیه اوراق غیرقضائی یا

11) Avoué  
12) Virement

اجرائی منعکس نمایند.

۳- اگر وکیل بخواهد خاتمه دادن به امری را امضاء کند هرگز نباید در محضر قاضی آشتی‌دهنده بدون حضور موکل و بدون اینکه اعلامیه روشن و امضاء شده‌ای از موکل کسب کرده باشد مصالحه کند.

۴- تقدیم وجه به وکیل و قبول آن در کانون از طرف نامبرده با دو شرط امکان‌پذیر است:

یکی وجود رضای کتبی موکل، دیگر تسویه حساب بوسیله چک یا اختیارنامه‌ای که از جانب طرف دعوی به نام موکل صادر شده باشد و برعکس، یا طبق شرایط پیش‌بینی شده در ماده ۲۷ این آئین‌نامه.

#### ماده ۲۹- حق الوکاله:

۱- حق الوکاله، دستمزد کاری انجام یافته و خدمتی صورت گرفته می‌باشد.

۲- وکیل، حق الوکاله کار قضائی خود را حسب ترتیبی که در قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۵۷ پیش‌بینی شده است اخذ میکند.

۳- اگر وکیلی از طرف موکل عهده‌دار رسیدگی به دعوی بوده است اما قبل از دفاع در دادگاه پرونده از او گرفته شود، وکیل نسبت به کاری که انجام داده یا خدمتی که کرده است مستحق حق الوکاله خواهد بود.

۴- وکیل می‌تواند هنگامی که مشاور موکل خود می‌باشد بابت نظرهای مشورتی که در دفتر کار خود به او می‌دهد از او حق الوکاله سالانه دریافت کند. دستمزد فوق فقط شامل اموری است که صرفاً مربوط به حرفه وکالتی باشد.

#### ماده ۳۰- وکالت انتخابی (تسخیری) ۱۲ و معاضدت قضائی:

۱- وکیل انتخابی (تسخیری) نمی‌تواند از انجام وظیفه خود امتناع ورزد مگر اینکه موجبات معافیت خود را بوسیله رئیس کانون به اثبات رساند و رئیس کانون تنها کسی است که می‌تواند او را از وظیفه مزبور معاف سازد.

در دعاوی جنجه‌ای یا جنائی که موجب وکالت انتخابی (تسخیری) شده باشد، وکیل فقط هنگامی می‌تواند حق الوکاله قبول کند که موضوع وکالت انتخابی، بنا به تعیین رئیس کانون تغییر یافته باشد.

۲- در دعاوی که معاضدت قضائی مورد موافقت قرار گرفته است هرگونه تقاضا یا قبول حق الوکاله اکیداً ممنوع است مگر در موردیکه در بند زیر پیش‌بینی شده است.

۳- با اینهمه، وکیلی که به وکالت انتخابی (تسخیری) برگزیده شده است در صورتی می‌تواند از موکل خود مطالبه حق الوکاله کند که محکومیت در دعوی اصلی و حکم ضرر و زیان که علیه طرف دعوی صادر شده است، برای موکل که مورد

معاضدت قضایی قرار گرفته است درآمدی دربر داشته باشد که اگر آن درآمد در روزیکه تقاضای معاضدت قضائی به عمل آمد وجود می‌داشت، معاضدت قضائی مورد موافقت قرار نمی‌گرفت.

حق‌الوکاله مزبور فقط پس از اجرای محکومیت دعوی اصلی قابل مطالبه است.

در صورت منازعه و اختلاف، آئین رسیدگی که طبق قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۵۷ در مورد دریافت حق‌الوکاله وکلای دعاوی وضع شده است قابل اجرا می‌باشد. (ماده ۱۲ تصویب‌نامه ۱۲۸۹ - ۵۸ تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۵۸).

ماده ۳۱ - اوراق برای نامه‌نگاری، کارت ویزیت، لوحه ۱۴:

۱- وکلای دعاوی مجازند روی اوراقی که برای نامه‌نوشتن بکار می‌برند و «کارت ویزیت» خود، نام و نام خانوادگی و کیفیت وکالت خود را در دادگستری پاریس و نشانی خود را بنویسند یا به چاپ برسانند یا گراور کنند و لدی‌الاقتضا میتوانند عناوینی را که از طرف شورای کانون معین شده است از قبیل: دکتر در حقوق، آگژده دانشکده‌ها، رئیس کانون وکلا، یا رئیس سابق کانون وکلا، عضو یا عضو قدیمی شورای کانون، دبیر یا دبیر سابق کنفرانس وکلای دعاوی در محاکم پاریس، دبیر یا دبیر سابق کنفرانس وکلای دعاوی در شورای دولتی و دیوانعالی کشور، در اوراق و کارت نام خود بنویسند یا بچاپ برسانند یا گراور کنند.

۲- وکیل میتواند:

الف - در بیرون خانه محل اقامت خود لوحه‌ای نصب کند که علاوه بر خصوصیت وکالتی او، نام و نام خانوادگی او را تعیین کند.

ب- در درون خانه، لوحه‌ای نصب کند که علاوه بر خصوصیت وکالتی او و نام و نام خانوادگی، طبقه محل اقامت او را در آن خانه معلوم سازد.  
نمونه لوحه‌های مزبور در مخزن کانون وکلا وجود دارد.

ماده ۳۲ - مقاله نویسی و مصاحبه:

۱- وکلای که در روزنامه‌ها یا مجله‌ها مقاله‌های مخصوص در موضوع تحقیقات قضائی مینویسند می‌توانند سمت وکالتی خود را در دادگاه‌های پاریس در دنباله نام خود بنویسند.

۲- وکیل میتواند در مورد مسئله‌ای که دارای منافع عمومی باشد در مصاحبه پاسخ بگوید. در سایر موارد باید از دادن پاسخ خودداری کند. در مواردیکه مسئله از جنبه نظرهایی که گفته شد روشن می‌باشد باید قبلاً موضوع را بنظر رئیس‌کانون برساند و پاسخگوئی را بنظر او موکول نماید.

## باب ششم

### تکالیف وکیل و امویکه از آن ممنوع است

ماده ۳۳ - قواعد کلی:

وکیل موظف است با کمال دقت تکالیفی را که بنا به قواعد و سنتها و عمل به حرفه نسبت بقضات و همکاران و ارباب رجوع برعهده دارد مراعات کند. وکیل از صداقت و نرمخوئی و استقلال و حفظ شرف خویش ناگزیر است.

ماده ۳۴ - تبادل مستندات:

- ۱- وکیل باید کلیه اوراق و مدارکی را که در دعوی ابراز میکند به همکار خود یعنی وکیل طرف دعوی ارائه دهد.
- ۲- این ارائه باید کامل و دربدو امر و از روی میل باشد.
- ۳- وکیلی که اوراق را اخذ میکند نباید آنرا بدیگری واگذار کند و باید آنرا به همکار خود بازگرداند.
- ۴- وکیل خواهان باید اوراق و اسناد خود را اول بار ارائه دهد چه در دادگاه بدوی چه بعلت پژوهش‌خواهی حتی اگر موکل او بدادگاه درجه دوم فراخوانده شده باشد.

ماده ۳۵ - اسرار شغلی - اسرار بازپرسی - اسرار مکاتباتی:

- ۱- وکیل دقیقاً ملزم است اسرار شغلی خود را حفظ کند.
- ۲- امور محرمانه بازپرسی، وکیل را مجبور میکند: هرگونه انتقال اطلاعات مستخرج از پرونده، یا انتشار مدارک، اسناد یا نامه‌هاییکه برای اطلاع یافتن از جریان قضیه برای او ممنوع است (ماده ۴۱ تصویب‌نامه ۱۰ آوریل ۱۹۵۴).
- ۳- مکاتبات شغلی بین وکلا محرمانه است با اینهمه، وقتی مکاتبات بین طرفین دعوی موجب موافقت قطعی در موضوع دعوی بشود، یا وکیل قانوناً اجازه داشته باشد که موکل خود را معرفی کند وکیل در معرض این قرار میگیرد که بتواند مکاتبات خود را تسلیم دادگاه کند.

ماده ۳۶ - نشر و اعلام:

نشر و اعلام هرگونه مطلبی که مربوط به پرونده‌ای باشد که وکیل عهده‌دار آن است و باید به‌آگاهی عموم برسد، برای وکیل به‌ر صورت و در همه اوضاع و احوال ممنوع است مگر اینکه رئیس کانون قبلاً بطور استثناء اجازه داده باشد.

ماده ۳۷ - ممنوع بودن هرگونه نشر آگهی و اطلاع:

۱- آگهی و اطلاع مردم در اموری که مربوط بشغل وکیل باشد تابع نظارت رئیس کانون میباشد.

۲- برای وکیل هرگونه اقدام و گفتگو برای اشتهار شخص خود ممنوع است.

۳- همچنین، قبول هر پیشنهادی که برای هر نوع معروفیت شفلی به وکیل شود؛ یا تقویت این موضوع برای وکیل ممنوع است.

ماده ۳۸ - تقاضا از موکل:

برای وکیل هرگونه خواهش و تقاضا از موکل ممنوع است.

ماده ۳۹ - تکالیف وکیل نسبت به همکاری که سابقاً دفاع از دعوائی را پذیرفته باشد:

۱- هر وکیل که قبول وکالتی یا رسیدگی به پرونده‌ای باو پیشنهاد شود قبل از قبول پیشنهاد مزبور باید مطمئن شود که قبل از او هیچیک از همکارانش در هیچ دعوائی عهده‌دار دفاع از منافع موکلی که دفاع از حق او باو پیشنهاد شده است نبوده است. اگر وکیل جای همکاری را در دفاع از دعوائی گرفت باید مطمئن شود که همکار مزبور هیچ علاقه‌ای بآن کار ندارد.

۲- با اینهمه، در موارد فوری، وکیل میتواند برای دفاع در دادگاه حضور یابد اما باین شرط که بدو اجازه رئیس کانون را دریافت کرده باشد.

۳- هر وکیلی که بجای وکیل دیگر که عهده‌دار دعوائی بوده است برگزیده شود، باید پاداش منصفانه زحمات و خدمات او را تأمین کند یا وادارد که آنرا تأمین نمایند.

ماده ۴۰ - لباس رسمی:

وکیل باید در پیشگاه کلیه دادگاهها و همچنین در مقابل کلیه قضات که عهده‌دار اصلاح‌دادن یا مشاوره رسمی قضائی یا بازپرسی میباشد، با لباس رسمی حضور بهم‌رساند.

ماده ۴۱ - تغییر محل - ملاقات:

۱- وکیل وقتی از محل معمولی خود تغییر محل میدهد باید رئیس دادگاه، و قاضی دادسرای محلی را که در آنجا دعوای خود را طرح میکند حضور می‌یابند مطلع سازد، همچنین رئیس کانون محل را، ملاقات کند.

۲- بعلاوه باید بنا به سنتهای کانون وکلای پاریس، در مقابل همکاری که علیه

او باقائه دعوی اقدام میکند نیز همین روش را مراعات کند.

ماده ۴۲ - سهمیه:

وکیل باید برای شرکت کردن در هزینه کانون، سهمیه‌ای بپردازد. شورای کانون مبلغ آنرا تعیین میکند. شورای مزبور باید سهمیه صندوق کانون‌های وکلای فرانسه را نیز تنظیم نماید. شورای کانون، درآمدهای کانون را اداره میکند و بمصرف میرساند.

ماده ۴۳ - شکایت علیه قضات، وکلا، کارمندان قضائی یا معاونان قضائی: هیچ وکیلی نمیتواند از قاضی یا وکیل یا کارمند قضائی یا معاون قضائی شکایتی تقدیم کند مگر اینکه قبلاً رئیس کانون را آگاه سازد.

## باب هفتم

### مجتمع، و دفترهای کار دسته‌جمعی

ماده ۴۴ - مجتمع:

۱- وکلائی که نامشان در لوحه کانون ثبت شده است میتوانند برای تمرین فعالیت شغلی خود بنا بمدلول ماده ۴۹ تصویب‌نامه ۱۰ آوریل ۱۹۵۴ که بوسیله تصویب‌نامه ۳۰ نوامبر ۱۹۵۶ اصلاح شده است اجتماع کنند. وکلای کارآموز میتوانند عضو يك مجتمع باشند باین شرط که مجتمع مزبور اگر دارای دو یا سه عضو باشد دست‌کم دارای يك وکیل باشد که نامش در لوحه وکلا به ثبت رسیده است و اگر تعداد اعضای آن مجتمع چهار یا پنج نفر باشد دست‌کم دارای دو وکیل باشد که نامشان در لوحه به ثبت رسیده است.

هیچ مجتمع حق ندارد بیش از پنج عضو داشته باشد.

هیچ وکیلی نمیتواند در آن واحد عضو بیش از يك مجتمع باشد.

وکیلی که بنا به قواعد یا سنتهای کانون، نتواند عمل به شغل خود را ادامه

دهد، حق ندارد عضو مجتمع باقی بماند.

۲- مجتمع حق ندارد آزادی هیچیک از اعضاء را در مورد عدم قبول يك پرونده

یا يك موکل محدود نماید. هیچیک از اعضای مجتمع نمیتوانند پرونده یا موکلی را بپذیرند که یکی از اعضای مجتمع مخالف پذیرفتن آن باشد.

اعضای مجتمع از هرگونه دخالت شغلی بِنفع یکی از طرفین دعوی که منافع

او با منافع موکل یکی از اعضای مجتمع مخالف باشد ممنوعند. اعمال ممنوع برای

وکیل که بنا بر تصویب‌نامه ۱۰ آوریل ۱۹۵۴ که بوسیله تصویب‌نامه ۳۰ نوامبر ۱۹۵۶ اصلاح شده است، امری سازش ناپذیر با آئین‌نامه داخلی کانون یا معمول‌به‌ای که بوسیله اعضای مجتمع پذیرفته شده میباشد.

۳- هر مجتمع باید کتباً صورت تحقق بپذیرد. در کلیه قراردادهای مجتمع

الزاماً باید موارد ذیل قید شود:

الف - اموال مشترك.

ب - حقوق و وظائف هر عضو مجتمع.

ج - مركز مجتمع.

مجتمع باید با مقررات تصویب‌نامه ۱۰ آوریل ۱۹۵۴ اصلاحی بوسیله تصویب‌نامه

۳۰ نوامبر ۱۹۵۶ و مقررات این آئین‌نامه و اصول زیر تطبیق نماید:

الف - اعضای مجتمع نمیتوانند دبیرخانه شغل خود را جز در مركز مجتمع

برقرار سازند.

ب - حقوق هر يك از اعضای مجتمع در مجتمع، مخصوص شخص اوست و

قابل واگذاری بدیگری نیست.

ج - هر يك از اعضاء هر وقت بخواهد میتواند مجتمع را ترك کند.

د - در اختلاف بین اعضای مجتمع، رأی نهائی با رئیس کانون است.

۴ - عضو مجتمع اگر به ممنوعیت موقت بیش از دو ماه محکوم شود حق ادامه

عضویت در مجتمع را ندارد و فقط با اجازه شورای کانون میتوان او را دوباره به

مجتمع پذیرفت.

۵ - نسخه رونوشتی از قراردادهای مجتمع، همچنین لدی‌الاقتضاء رونوشتی

از کلیه قراردادهای تغییر یافته، باید بشورای کانون تقدیم شود.

قراردادها در صورتی دارای قوت اجرائی خواهد شد که در ظرف مدت دو ماه

پس از تقدیم بشورای کانون (در مورد مقتضی طول مدت تعطیلات قضائی به آن افزوده

میشود) اعضای مجتمع اطلاع ندهند که قراردادهای شرایط منظور در این آئین‌نامه

را تنفیذ نمیکنند.

ماده ۴۵ - دبیرخانه‌های دسته جمعی:

۱ - پنج وکیل که نامشان در لوحه وکلا ثبت شده باشد یا کارآموز میتوانند

دبیرخانه خود را در يك آپارتمان تأسیس کنند. هر وکیل باید يك دبیرخانه شخصی

آماده کند. اطاق انتظار ممکن است احیاناً مشترك باشد.

۲ - سازمان دبیرخانه‌های دسته جمعی با هرگونه شرکت بین اشخاص ذینفع

منافی است. ارباب رجوع هر وکیل مختص آن وکیل است. هرگونه تقسیم حق الوکاله

ممنوع است. همچنین است هرگونه تبدیل و تعویض بدون موافقت ارباب رجوع.

هیچگونه علامت خارجی نباید وجود دبیرخانه‌های دسته جمعی را آشکار سازد،

بدون اینکه این امر به‌اختیاری که هر وکیل برای بکاربردن يك لوحه بنام خود دارد

همانگونه که در ماده ۲-۳۱ گفته شد زیانی برساند.

۳ - ایجاد دبیرخانه دسته جمعی، باید بنا بقرار داد کتبی که هزینه‌های مشترك

را تعیین می‌کند، و سهمیه مالیاتی اشخاص ذینفع را در هزینه‌های مزبور تثبیت می-

نماید، تحقق پذیرد.



يك نسخه از قرارداد مزبور بشورای كانون تسليم ميگردد. اگر در ظرف دو ماه پس از تسليم آن، (در هنگام ضرورت مدت تعطيلات قضائي بر آن افزوده شود)، امضاءكنندگان آگاه نگردند كه قرارداد آنان مفاد اين آئين نامه را محترم نشمرده است، قرارداد مزبور دارای قوت اجرائی خواهد بود.

۴- كليه اختلافهای مربوط به دبیرخانه های دسته جمعی بارای قطعی و نهائی رئیس كانون حل و فصل میشود.

۵- انجام هر تقاضا برای تاسیس دبیرخانه های دسته جمعی، منوط به اجازه قبلی شورای كانون است.

## باب هشتم

### سازش ناپذیری

ماده ۴۶ - سازش ناپذیری های کلی:

ماده ۴۵ تصویب نامه ۱۰ آوریل ۱۹۵۴ كه بوسیله تصویب نامه های ۷ دسامبر ۱۹۵۴ و ۳۰ نوامبر ۱۹۵۶ اصلاح شده است و مربوط به سازش ناپذیری می باشد محدودکننده نیست.

مثلا از آن جمله است عمل به حرفه وكالت با هرگونه اشتغال به شغلی كه طبعاً به استقلال یا حیثیت وكیل آسیبی برساند سازش ناپذیر باشد، و باهرکاری كه در ازای آن دستمزد بدهند و هر نوع سوداگری و خرید و فروش و هر نوع مأموریت از طرف کسی یا جمعیتی به استثنای نمایندگی و مأموریت از طرف خانواده وكلام مسئولیت دقیق دارند كه از هرگونه اقدام قضائی در پرونده هایی كه قانوناً به عنوان مدافع در آن كار سمتی ندارند خودداری كنند.

ماده ۴۷ - وكیل دعاوی كه به وكالت مجلس انتخاب شود:

۱- وكیلي كه بوكالت مجلس انتخاب شود حق ندارد به عنوان وكیل دعاوی علیه دولت و ادارات دولتی، سازمانها و خدمات دولتی و شرکتهای ملی و تضامنی یا سازمانهای عمومی هیچگونه عمل وكالتي انجام دهد.

نیز حق ندارد به هیچ عنوان و هیچ شكل در تحقیقات یا محاکماتی كه علیه دولت و سازمانهای مزبور جریان می یابد دخالت كند.

وكیلي كه به نمایندگی مجلس انتخاب شده باشد به هیچ نحو حق ندارد به نفع متهمانی كه از طرف دادسرا به اتهام ارتكاب جنایت یا جنحه در جرائم عمومی یا در مورد مطبوعات یا اعتبارات و ودایع دولتی تحت تعقیب كیفی درآمده اند دخالت كند. در صورتیکه وكیل مزبور در روزی كه سمت نمایندگی یافته بوده است چنین مشتریانی پیدا کرده باشد، وكیل مجلس می تواند اگر موکلان او به شرح زیر باشند

اقامه دعوی کند یا مورد مشاوره قرار گیرد:  
الف - دولت.

ب - ادارات و سازمانهای خدمات دولتی.

ج - شرکتهای ملی و تضامنی یا سازمانهای عمومی.

د - شرکتهای، مقاطعه کاریها، یا سازمانهاییکه به عنوان مرابحه کاری و اعانات یا عناوینی مشابه، از مزایا و سودی که بوسیله دولت یا جمعیتهای ملی تأمین می شود استفاده کنند مگر در موردی که مزایا و سود مزبور از اجرای خود بخود «اتوماتیک» قوانین عمومی ناشی شود.

ه - شرکتهایی که موضوع آنها منحصرأ امور مالی باشد و برای پس انداز و دادن اعتبار تشکیل شده باشد.

و - شرکتهای یا بنگاههایی که اصولاً فعالیتشان عبارت باشد از انجام دادن کار و تدارک خواربار یا انجام خدمات برای دولت یا به حساب دولت یا تحت مراقبت دولت. برای يك مجتمع یا سازمان دولتی یا بنگاه ملی یا مؤسسه ای که بیش از نیمی از سرمایه آن بوسیله شریک شدن شرکتهای یا بنگاههاییکه دارای همان فعالیت باشند تشکیل شده باشد.

۲- ممنوعیتهای یادشده راجع به وکیلی که در بخش (کانتون) ۱۵ انتخاب شده باشد در مورد محاکمهای که شهرستان محل انتخاب او، (دپارتمان) ۱۶ در آن ذینفع باشد نیز جاری است.

۳- همین ممنوعیتهای نیز درباره وکیلی که از طرف دهستان، (کمون) ۱۷ انتخاب شده باشد.

در مورد تحقیقات و محاکماتی که (کمون) حوزه انتخابی او در آن ذینفع باشد جاری است.

۴- بنا به تفاوتهاییکه قبلاً گفته شد این ممنوعیتهای شامل خدمات تحت مراقبت و نظارت و خدمات واگذار شده و خدمات اعانه گیری نیز می باشد.

۵- کلیه ممنوعیتهای که در بالا گفته شد خواه وکیل شخصاً دخالت کند یا با واسطه شرکاء و همکاران و دبیران، اجرا می شود.

۶- وکیل مجلس به هیچ عنوان نباید در محاکمات کیفری یا مدنی که مستلزم تفسیر و تطبیق قانون باشد که او تدوین کننده یا گزارش دهنده آن بوده است، شرکت جوید مگر در موردی که رئیس کانون اجازه مخصوص بدهد. در صورتی که رئیس کانون اجازه مخصوص بدهد باید در نهایت دقت مراقبت کند که به عنوان وکیل دعاوی اموری را تقبل نکند که به عنوان وکیل مجلس در آن امور مورد مشاوره

15) Le Canton

16) Département

17) La Commune

قرار گرفته باشد و نیز حق ندارد قانونی را که تدوین کننده یا گزارش دهنده آن بوده است تلویحاً یا تصریحاً برای قضات شخصاً تفسیر نماید.

۷- در نتیجه، وکیل دعاوی وقتی سمت نمایندگی عمومی یافت خواه انتخابی باشد یا نه، باید با کمال دقت توجه داشته باشد که بین عمل به حرفه وکالت و انجام وظیفه نمایندگی او هیچگونه اختلال و تزامم روی ندهد.

## باب نهم

### تعطیل فعالیت

ماده ۴۸- تعطیل فعالیت:

وکیلی که از اشتغال حرفه خود دست بکشد می تواند همه یا قسمتی از پرونده های را که عهده دار اقدام آنهاست به یک یا چند تن از همکاران خود که مورد اعتماد خاص او باشند واگذار کند به شرط آنکه موکلان او به این امر راضی باشند. در صورت فوت وکیل، بازماندگان ذیحق او نیز می توانند درباره یک یا چند وکیل که با متوفی روابط احترام آمیز و دوستانه داشته اند به نحوی که گفته شد اقدام کنند.

وکلائی که متعهد این کار خواهند شد، در صورتیکه اوضاع و احوال به نحوی باشد که بتوانند از انجام کاری که به آنان واگذار می شود هیچگونه سودی نبرند در این صورت برای کار خود پاداشی دریافت خواهند کرد یا در صورتیکه تماس آنان با موکلان وکیلی که دست از کار کشیده است احتمالاً درخور آن باشد که برای آنان منافعی در برداشته باشد، در چنین موارد می توان موافقت کرد که در عوض مسئولیتهای مشروع برای انجام یا عدم انجام کار از نظر خود تعهدکننده که به اشخاص ذینفع غرامت مناسب تأدیه شود.

هرگونه موافقت از این قبیل باید به اطلاع رئیس کانون برسد زیرا نامبرده مکلف است مراقب کلیه اموری باشد که در قلمرو قواعد برادری و سلامت نفس برای همه وکلا مورد احترام است.

در موردی که وکیل مستعفی یا بازماندگان ذیحق وکیل متوفی برای یسه جریان انداختن پرونده های جاری پیشنهادی نکنند، رئیس کانون باید کلیه تدابیر مقتضی را برای حفظ منافع موکلان اتخاذ کند.

در موردی که وکیل مستعفی یا اخلاف ذیحق وکیل متوفی، برای تأمین ادامه و جریان پرونده های جاری هیچگونه پیشنهادی نکنند، رئیس کانون باید کلیه تدابیر مقتضی را برای حفظ منافع موکلان فراهم آورد.

## باب دهم

### وکالت افتخاری

ماده ۴۹- وکلای افتخاری:

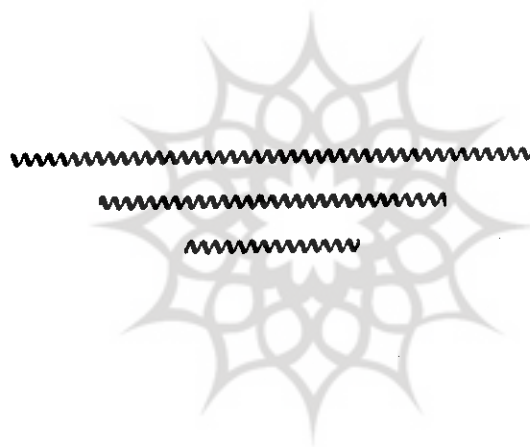
- ۱- عنوان وکیل افتخاری از طرف شورای وکلا، (هیئت مدیره)، به وکلایی تفویض می شود که مدت سی سال نامشان در لوحه وکلا ثبت شده و از کار استعفا داده باشند. به کسانی که متصدی دلالی و معامله به حساب مردم می باشند یا از زمان استعفای خود متصدی آن شده باشند به هیچوجه نه با وکالت افتخاری شان می توان موافقت کرد، نه می توانند آن را ادامه دهند.
- ۲- جز در مورد استثنائی، فقط در مورد تقاضای کتبی که متقاضی در آن انگیزه های تقاضای خود را شرح دهد و معلوم کند که مشاغل او چیست یا چه خواهد بود می توان با این سمت موافقت کرد.  
متقاضی باید متعهد شود که هرگز مرتکب عملی نشود که به حیثیت شخص او یا به حیثیت شغلی که انجام می دهد لطمه وارد کند.  
متقاضی باید متعهد شود به هیچ کاری که در قلمرو شغل وکالت است منجمله مشاوره، اقدام نکند.
- ۳- وکیل افتخاری می تواند در اختلافات بین دو طرف عهده دار داوری یا کارشناسی گردد یا در شورای اداری دارای کرسی باشد یا حق نظارت داشته باشد یا دارای شغلی باشد که مستلزم دریافت مستمری ثابت باشد.
- ۴- وکیلی که تقاضای وکالت افتخاری می کند یا واجد آن شده است باید اعلام کند که قصد دارد چه وظیفه ای را عهده دار شود.  
همچنین هر وقت متصدی وظیفه جدیدی می شود باید مراتب را به اطلاع رئیس کانون برساند.  
اگر رئیس کانون چنین تشخیص دهد که وظیفه ای که متقاضی تصدی آن را به او اعلام کرده است خلاف حیثیت شخص متقاضی یا خلاف حیثیت حرفه اوست نظر خود را به متقاضی ابلاغ می کند.
- اگر وکیل افتخاری به نظر رئیس کانون ترتیب اثر ندهد رئیس کانون می تواند به شورا (هیئت مدیره) پیشنهاد کند که سمت افتخاری او را سلب کنند.
- ۵- وکالت افتخاری را بی آنکه در مهلت هفت روزه به اطلاع متقاضی رسیده باشد نمی توان سلب کرد.
- ۶- وکیل افتخاری حق دارد در مجامع و تشریفات کانون شرکت جوید جز در مجامع عمومی که به منظور انتخاب رئیس کانون و اعضای هیئت مدیره (اعضای شورا) دعوت می شوند. وکیل افتخاری حق دارد از لباس رسمی وکلا استفاده کند او حق

استفاده از کتابخانه کانون را دارد.

۷- وکیل افتخاری ملزم است سهمیه‌ای که مبلغ آن بنا به تصمیم شورای کانون (هیئت‌مدیره) تثبیت می‌گردد بپردازد.

۸- وکیل افتخاری مطیع دادگاههای انضباطی شورای کانون (هیئت‌مدیره) می‌باشد.

پایان



شوریه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی